

درباره آب گفت و گو کنیم

دغدغه آب و فرصت گفت و گو

چگونه می توان درباره آب گفت و گو کرد؟ آب دغدغه ای اجتماعی است که باید بر سر این دغدغه و ابعاد آن اجماع کرد. یکی از این راه ها، گفت و گو و آیین گفت و گو است. در این مقاله سعی شده بر وضعیت آب در ایران و لزوم گفت و گو درباره آن تاکید شود.



انوش نوری اسفندیاری

کارشناس آب

چرا باید خواند:

اگر به موضوع شناخت

وضعیت آب در ایران،

بحران آن و بحران

مدیریت آب علاقه

نارید، خواندن این

مقاله به شما توصیه

می شود.

نقطه صفر

مدتها، یعنی دهه ها، کار اصلی برنامه ریزی و مدیریت آب از آن دولت شده و گفت و گو در فضای عمومی کشور به نحوه صرفه جویی در مصرف آب به منازل محدود است: بسته نگه داشتن شیر آب هنگام مسواک زدن، شستن ظروف با آب کمتر، کوتاه کردن مدت دوش گرفتن در حمام، استفاده درست از شیلنگ آب در حیاط و پارکینگ و اخیراً کاهش حجم فلاش تانکها و مهم تر از همه پرداختن به تلفات آب در کولرها، با مشخص شدن سهم مصارف شهری در کل مصارف، بعضاً شهرنشین ها تأثیر صرفه جویی های خود را در حل کمبودها ناچیز و کم اثر انگاشتند و حرکت در روستاها را مهم تر می دانند.

برای روستاها هم نسخه آماده است: تغییر روش آبیاری و کاهش تبخیر آب در مزارع. از آن همه دغدغه و انتقادی که نسبت به برنامه های عمرانی در اسناد نظام برنامه ریزی و فنی و اجرایی کشور وجود داشته و دارد و برخی حدود نیم قرن سابقه دارند - از نظر بهره برداری اقتصادی از سدهای مخزنی، سازمان تولید کشاورزی و نظام بهره برداری از منابع آب، ناقص بودن اجرای طرح های مکمل سدسازی در بالادست (طرح های آبخیزداری) و پایین دست (طرح های سامانه های آبیاری و تسطیح و تجهیز مزارع) و موازنه تغذیه و برداشت منابع آب زیرزمینی - در جامعه و فضای عمومی خبری نبود و هنوز هم نیست.

پله اول

در اوایل دهه ۱۳۹۰ که موضوع تقلیل میزان بارش های کشور از سوی مقامات مسئول برجسته شد، ابعاد مدیریتی منابع آب هم در کنارش مورد توجه قرار گرفت. برای مثال در دی ماه سال ۱۳۹۳ شرکت مدیریت منابع آب ایران با انتشار آماری از بارندگی ها اعلام کرد که کشور در وضعیت «بحران شدید آب» قرار گرفته است. این گزارش هشدار داده است که «کاهش بارندگی نسبت به روند بلندمدت، مدیریت ناکارآمد منابع آب و بهره برداری بی رویه از منابع آب» باعث شدت یافتن کاهش منابع آب زیرزمینی در ایران شده است. وزیر وقت نیرو هم اعلام داشت که «متوسط بارش کشور ما از ۲۵۰ میلی متر به ۲۴۲ میلی متر در سال کاهش پیدا کرده و ما با مسائل بسیار جدی در موضوع آب و منابع آب روبه رو هستیم در نتیجه خشکسالی های پی در پی و تغییرات اقلیم مجموع منابع آب تجدیدشونده کشور ما تا حدود ۱۰ سال پیش یکصد و سی میلیارد مترمکعب به طور متوسط برآورد می شد با کمالات تأسف این الآن به ۱۲۰ میلیارد مترمکعب کاهش پیدا کرده است». چیت چیان در ادامه سخنان خود نشانه هایی از بحران آب در کشور را برشمرد و گفت: خشک شدن تالابها و دریاچه های داخل کشور، بحران منابع آب زیرزمینی، روان آب رودخانه ها که طی ۱۰ سال گذشته به ۴۶ درصد رسیده و افزایش نیاز آبی از نشانه های خشکسالی در کشور است. وی تصریح کرد: اگر وضعیت مصرف آب همین گونه ادامه پیدا کند، وضعیت حاد ما حادث خواهد شد.

ظاهراً در جست و جوی اصلاح وضعیت مصرف آب، نگاه جامعه نسبت به موضوعات و مسائل نیز شروع به تغییر کرد و از سطح مدیریت مصرف در منازل و مزرعه فراتر رفت و به سطح مدیریت شرکت های کارگزار هم رسید. «آب به حساب نیامده» و تلفات بالای آب در سامانه های توزیع آب شهری، جدا نبودن مصارف شرب و بهداشت از سایر مصارف خانگی، استفاده از آب لوله برای آبیاری فضای سبز، تلفات آب از منبع تا سر مزرعه - که همگی از عهده و مسئولیت مصرف کننده خارج است - مورد توجه فضای عمومی قرار گرفت. کمی بعد موضوعات پیچیده تری مطرح شدند مانند مکان یابی نادرست فعالیت نظیر احداث صنایع آبرو و آلوده کننده - چون ذوب آهن، فولاد و پتروشیمی - در مناطق خشک با اکوسیستم آسیب پذیر و شکننده، کشت برنج و هندوانه در مناطق خشک و نظایر آن، به این ترتیب واژه های «آمایش سرزمین» و «اصلاح الگوی کشت» و حتی سیاست های امنیت غذایی یا خودکفایی تولیدات کشاورزی به ویژه گندم - که قبلاً فقط در محاورات نظام برنامه ریزی به کار گرفته می شد - کاربردان و مطالبه کنندگان جدیدی پیدا کردند. کشاورزان در کانون مطالبات قرار گرفتند و برخی از صاحبان تربیون و مسئولان وزارت کشاورزی به دفاع از آن ها پرداختند. کار به تردید در ارقام اعلام شده و میزان صحت اعداد و ارقام کشیده شد.

پله های بعدی و هجوم واژگان

توجه به نشانگرها و درک کمی از موضوع قوت گرفت: نسبت برداشت سالانه به کل منابع آب تجدیدپذیر (نسبت وخامت یا بحران آب). بالاتر بودن این نسبت (بیش از ۸۰ درصد) از حد مجاز آن (۴۰ درصد) به درک نسبی وخامت شرایط کمک کرد. البته مشاهدات آشکاری چون خشک شدن تالاب هایی چون گاوخونی، پریشان، شادگان و دریاچه هایی چون هامون و ارومیه و گسترش فروچاله ها، شکاف های ناشی از فرونشست زمین در همه مناطق کشور زنگ خطرهای بلندی بود که هر گوشی را با این فریاد آشنا می کرد. دیگر روندهای تدریجی و مستمر کاهش آبدی و شور و خشک شدن چاه ها، کاهش رطوبت خاک، ایجاد چشمه های گردوخاک و ریزغبار و تغییر ترکیب آلودگی در شهرها و برجسته شدن خطرات ریزگردها بر سلامت و اقتصاد کشور، ممکن نبود نادیده گرفته شوند. گویی بحث ها و مفاهیم همراه با خطرات و چاره اندیشی از یکدیگر سبقت می گیرند و یکی بعد از دیگری عرصه فضای عمومی را به تسخیر خود درمی آورند. ورود طرفداران محیط زیست در این عرصه پای سدهایی را که با پر نمی شوند، یا شوری آب را تشدید می کنند و یا باعث کاهش تغذیه آب زیرزمینی شده اند به این عرصه باز کرد. مطرح شدن سهم سدسازی در فاجعه ارومیه و لزوم توقف یا راهسازی آب از آن ها بعد جدیدی را به مخالفت فضای عمومی با «نهضت سدسازی» اضافه کرد. بعد از آن نوبت مخالفت با طرح های انتقال آب رسید.

مشکلات تأمین و تخصیص آب حوضه زاینده رود به تنهایی همه جنبه ها را در خود داشت: احداث باغات در اراضی شیبدار پس از زمینه سازی طرح طوبای وزارت کشاورزی در برنامه سوم توسعه، انتقال آب بیشتر یا جایگزین از سرشاخه های رود کارون، اعتراض به خط لوله انتقال آب به یزد، تأمین نشدن حقیقه های پایین دست به ویژه در شرق اصفهان، خشک شدن تالاب، ریزگردها و غبار محلی و افزایش دشت های بحرانی از نظر فشار به ذخایر آب زیرزمینی. این گونه بود که مباحث اقتصادی تحت تأثیر گفت و مان محیط زیستی قرار گرفت و موضوعات محیط زیستی با مباحث معیشتی و قومی و محلی گره خورد.

بحث انتقال آب بالا گرفت، انتقال آب از رودخانه سیروان برای نجات دریاچه ارومیه، دریاچه

همه سطوح محلی به‌ناچار و از سر اضطرار نسبت به مسائل خود درباره آب حساس و تا حدودی فعال شده است، اما باید مدار و محور این حساسیت و فعالیت‌ها با سطوح بالاتر یعنی حوضه آبریز و سطح ملی تناسب و سازگاری پیدا کند، تا جامعه گرفتار منازعات محلی نشود.

سؤال مهم و پاسخ‌های محتمل

در حال حاضر گفت‌وگو و هم‌اندیشی جامعه درباره آب هم از دیدگاه جامعه و از دیدگاه حاکمیت و دولت امری اجتناب‌ناپذیر است. از دیدگاه جامعه خطرهای مرتبط با آب عمیقاً احساس شده و نیاز است تا نسبت به این احساس کنش و واکنش جمعی نشان داده شود. از این رو گفت‌وگو هم التیام‌بخش است و هم آگاه‌کننده و مسئولیت‌آفرین. دولت هم باید هم در درون لایه‌های خودش و هم با جامعه درباره آب گفت‌وگو کند. چون برای برداشتن هر قدمی به همراهی و هماهنگی درونی و بیرونی نیاز دارد. انسان تا موضوع را به درستی نفهمد، همراه نمی‌شود. در حالی که تلاش می‌شود که مسئله آب فارغ از ابعاد و معضلات اجتماعی آن به وجه فنی و تکنولوژیکی فروکاسته شود، امکان واقع‌بینی و گفت‌وگوی عمومی از آن سلب می‌شود. کمیوها و خسارت‌های آشکار شده بیش و پیش از آنکه مسئله‌ای صرفاً اقلیمی و زیست‌محیطی یا استفاده نکردن از فناوری‌های روز باشد، مسئله‌ای در مناسبات اجتماعی و نحوه کاربست فناوری‌های جدید چون چاه‌های عمیق، سدهای مخزنی، تونل‌ها و ایستگاه‌های پمپاژ عظیم است. یعنی، ریشه‌های بروز مسئله آب در کشور هم بیش و پیش از هرگونه تغییر و تحولی در شرایط اقلیمی، باید در عوامل و وجوه انسانی و اجتماعی جست‌وجو شود. در غیر این صورت بحران و مخاطرات اجتماعی آب با فهم نادرست عمومی، مدیریت غلط اجرایی و مشارکت اندک اجتماعی به‌وجود آمده همچنان می‌ماند و بیشتر هم می‌شود. اگر فرصت فهم مسئله ملی، توسعه ملی و اقدام ملی تنها از طریق گفت‌وگو حاصل می‌شود، بنابراین جدی‌ترین سؤال در این میان این نیست که چطور آب موضوع گفت‌وگو شود، که شده است، بلکه این است که چگونه می‌توان درباره مسئله آب درست گفت‌وگو کرد.

در این مجال می‌توان به برخی از نکات احتمالی مهم برای رسیدن به فضای گفت‌وگوی درست درباره آب به شرح زیر اشاره کرد:

- به نظر می‌رسد همه سطوح محلی به‌ناچار و از سر اضطرار نسبت به مسائل خود درباره آب حساس و تا حدودی فعال شده است، اما باید مدار و محور این حساسیت و فعالیت‌ها با سطوح بالاتر یعنی حوضه آبریز و سطح ملی تناسب و سازگاری پیدا کند، تا جامعه گرفتار منازعات محلی نشود.
- فضای نشست‌ها باید در خدمت تقویت سازوکارهای غیرمتمرکز اقتصادی و اجتماعی و برمدار توافق و همدلی و به دور از تبلیغات و دستور و یک‌جانبه‌گرایی باشد تا عرصه عمومی وسیع‌تر شود، صداهای ناشنیده به گوش برسد، مشارکت همگانی افزایش یابد و نظاره‌گرها به مشارکت‌کننده‌ها و مشارکت‌های غیرفعال به فعال تبدیل شوند.
- حضور و نقش نهادهای مدنی در فرایند اصلاح انگاره‌ها درباره آب و تصور عمومی و ارتقای سطح فرهنگ عمومی تعیین‌کننده است. این اقدام از مسائلی است که در درجه اول باید به‌وسیله نهادهای غیردولتی و رسانه‌ها صورت گیرد و دولت را نیز شامل شود.
- شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی در این میان نقش‌های پررنگ‌تر دارند. باید به‌نیادهای خودانگیخته، کمپین‌ها و رسانه‌های محلی توجه ویژه داشت. نشریه‌های محلی نیز در این میان می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. نوشتارها و گفتارها باید از تحریک و مناقشه به‌دور و با ادبیات علمی و آرام همراه و راه‌حل‌گر باشد تا اطلاعات درست و شفاف از طریق آن به جامعه منتقل شود. ■

نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ اگر مسئله آب فارغ از ابعاد و معضلات اجتماعی آن به وجوه فنی و تکنولوژیکی فروکاسته شود، امکان واقع‌بینی و گفت‌وگوی عمومی از آن سلب می‌شود.
- ▶ حضور و نقش نهادهای مدنی در فرایند اصلاح انگاره‌ها درباره آب و تصور عمومی و ارتقای سطح فرهنگ عمومی تعیین‌کننده است.
- ▶ با مشخص شدن سهم مصارف شهری در کل مصارف، بعضاً شهر نشین‌ها تأثیر صرفه‌جویی‌های خود را در حل کمیوها ناچیز و کم‌اثر انگاشته‌اند و حرکت در روستاها را مهم‌تر می‌دانند.
- ▶ فضای نشست‌ها باید در خدمت تقویت سازوکارهای غیرمتمرکز اقتصادی و اجتماعی و برمدار توافق و همدلی باشد تا عرصه عمومی وسیع‌تر شود، صداهای ناشنیده به گوش برسد، مشارکت همگانی افزایش یابد و نظاره‌گرها به مشارکت‌کننده‌ها و مشارکت‌های غیرفعال به فعال تبدیل شوند.

وان ترکیه برای همین کار، انتقال آب رودخانه‌های حوضه آبریز و حتی دریای مازندران به استان سمنان، دریای عمان به فلات مرکزی و نظایر آن. در جایگزین انتقال آب از تاجیکستان شاید موضوع «گشت فراسرزمینی» بود که در این میان جایگاهی پیدا کرد. موضوع «آب مجازی» به نشست‌ها و سمینارها و رسانه‌ها راه پیدا کرد اما چندان جدی گرفته نشد. چون حل مسائل با عرضه بیشتر آب از طریق استفاده از منابع آب ژرف و باروری ابرها و اغراق در این زمینه تا حدودی تمرکز افکار را از سازگاری با امکانات و مدیریت تقاضا سلب کرد.

در جریان تدارک برنامه ششم توسعه، لایحه پیشنهادی دولت در مورد بخش آب برای اولین بار بر اساس کاهش برداشت از منابع آبی پیشنهاد و موضوع «آب برنامه‌ریزی‌شده» که قبلاً از طرف وزارت نیرو باهدف کاهش برداشت از منابع آب زیرزمینی ابلاغ شده بود، رسمیت بیشتری یافت. موضوع جلوگیری از توسعه سطح کشت، اصلاح الگوی کشت و افزایش بهره‌وری آب کشاورزی در این برنامه بارز بود. اما کارها برای بخش آب کماکان بر محور طرح تعادل بخشی بود که اغلب اقلام آن سابقه پنج‌ساله داشت و نتوانسته بود «دشت‌های ممنوعه» را به تعادل برساند بلکه رقم آن‌ها از عدد ۴۰۰ دشت نیز فراتر رفت.

با تراکم مسائل و پرسش‌ها، موضوع «سازگاری با کم‌آبی» به علت شرایط و محدودیت‌های مالی دولت رفته‌رفته جدی‌تر شد و حتی یک گروه فرابخشی در دولت به همین نام تشکیل شد. توجه به وظایف شهرداری‌ها در این زمینه از نظر انتخاب نوع گیاهان و روش آبیاری و منبع تأمین آب برای فضای سبز شهری بیشتر از گذشته مورد توجه عموم قرار گرفت. نحوه جمع‌آوری روان‌آب‌ها و بخشی از فاضلاب‌های شهری و استفاده از آن برای کشت سبزیجات از معضلات رو به گسترشی بود که نمی‌توانست نادیده گرفته شود. این موضوع، از یک‌طرف لزوم تسریع در اجرای طرح‌های عظیم جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب‌های شهری را مطرح و از طرف دیگر برای استفاده از سباسب‌ها به‌منظور تقویت تغذیه ذخایر آب زیرزمینی رقیب‌های جدیدی چون مصارف صنعتی، آب‌نماها، فضای سبز و کشاورزی را نیز وارد میدان کرده است؛ یک مویز و چهل قلندر!

اتفاق مهم چیست؟

اکنون فرصت نادری برای مشارکت عموم در مباحث مدیریت آب پیش آمده است. و درست در همین جاست که سؤال عمده‌ای باید طرح شود. آیا اثبات این موضوعات، واژه‌ها و اصطلاحات، تعارض‌ها و ابهام‌ها در میان کنش‌ها و واکنش‌ها و بحث‌وجدل‌ها می‌تواند - بدون تحولات فرهنگی و اجتماعی و گسترش فضای گفت‌وگو و تصمیم‌گیری - راه به جایی ببرد؟ پاسخ قطعاً منفی است. اگر این پاسخ را بپذیریم چنان‌که ظاهراً همه پذیرفتند و از نوعی تحول فرهنگی سخن می‌گویند، اما چه کسانی و نهادهایی می‌توانند در این زمینه اقدام کنند و چه اقداماتی تاکنون شده است؟ بی‌تردید اقداماتی چون نشست‌های سلسه‌وار «آب، فرهنگ، جامعه» و انعکاس آن در رسانه‌ها، در زمره پاسخ‌های سنجیده به این سؤال بود. پاسخی برای آغاز گفت‌وگو و همفکری در جامعه‌ای که روشنفکر و صاحبان تریبون و نخبگان آن تاکنون کمتر درباره توسعه ناپایدار و عوارض مخرب آن سخن گفته بودند. در این اقدام - که با همکاری چهار نهاد انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، انجمن جامعه‌شناسی ایران، اندیشکده تدبیر آب ایران و مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری برنامه‌ریزی و اجرا می‌شد - بیشتر افراد صاحب‌نام و شناخته‌شده در عرصه فرهنگ، جامعه و آب حاضر شدند و بحرس دانش و برداشت خود از موضوع سخن گفتند. بخشی از پیامدهای این اقدام در میانه راه این نشست‌ها در شهریور ۱۳۹۴ توانست در ویژه‌نامه بحران آب ضمیمه اقتصادی روزنامه شرق باعنوان «ایران در جست‌وجوی آب، آب در انتظار تدبیر» انعکاس یابد. در این ویژه‌نامه ۱۰ پرونده با قلم ۲۷ نویسنده از خبرنگاران و صاحبان تریبون دولتی و غیردولتی درباره آب مطرح شد. نشست‌های آب، فرهنگ، جامعه ادامه یافت و شاید بتوان دستاورد مهم آن را ایجاد رخنه در انحصار اطلاع‌رسانی و تحلیل حوزه آب توسط متخصصان فن محور این رشته و حضور مستقل رشته‌های مختلف علوم اجتماعی برای مطرح کردن آب به‌عنوان موضوعی اجتماعی دانست. در این حال هر چند که در این نشست‌ها تلاش و زمینه‌سازی برای گفت‌وگو میان اعضای «میز مدیریت» و همچنین میان شرکت‌کنندگان هم مشاهده می‌شد، اما مانند اغلب نشست‌ها، عمدتاً از زمان برای ارائه نظرات شخصی استفاده می‌شد. از این نظر شاید برگزاری میزگردها با محدود کردن تعداد شرکت‌کنندگان می‌تواند اثربخش‌تر باشد. در اینجا باید از اقدامات «گفت‌وگویی» مشابه دیگر مانند «شب آب خراسان» و نظیر آن نیز یاد کرد. البته ارزیابی بازخوردهای انتقادی این نشست‌ها هم بیاتر کاستی‌های فراوان و راهی طولانی است که باید پیموده شود.